

کوبه‌ها

آنیتا زهراوی



انتشارات قصه باران



انتشارات قصه باران

www.ghessebaran.ir
@ghessebaran_pub
ghessebaran@gmail.com

کوبه‌ها

نویسنده : آنتیا زهرآوی
ویرایش : اول
نوبت چاپ : اول - تابستان ۱۳۹۸
موضوع : داستان ایرانی
ویراستار : امیر عربلو
مدیر هنری : سعیده بنیاب
چاپ : شیدا
شابک : ۹۷۸-۶۲۲-۹۵۷۶۳-۴-۲
مارگان : ۵۰۰
قیمت : ۹۰۰۰ تومان

سرشناسه : زهرآوی، آنتیا، ۱۳۷۴-
عنوان و نام پدیدآور : کوبه‌ها/ آنتیا زهرآوی؛ ویراستار امیر عربلو.
مشخصات نشر : تهران: قصه باران، ۱۳۹۸.
مشخصات ظاهری : ۳۹ ص.
شابک : ۹۷۸-۶۲۲-۹۵۷۶۳-۴-۲
وضعیت فهرست نویسی : فیا
موضوع : داستانهای فارسی -- قرن ۱۴
Persian fiction -- 20 th century :
رده بندی کنگره : PIR۳۴۸ :
رده بندی دیویی : ۸۵۳/۶۲ :
شماره کتابشناسی ملی : ۵۷۲۲۰۲۳ :

تمام حقوق چاپ و نشر برای ناشر محفوظ است.

توضیحات

داستان کوبه ها، داستانی است نمادین که علاوه بر سرگرم کردن خواننده، سعی در تغییر ارزش ها و اصلاح نگرش های نادرست موجود در جامعه، بیان حقایق و واقعیت ها و گهگاهی انتقاد در مورد آنها را دارد.

در این داستان خانه ی قدیمی، جیرجیر صدای در، اتاق بی نور و انباری تاریک نماد افکار خاموش، عقاید و رسومات زنگ زده و کهنه می باشند.

حلقه خشم داستان، نماد افرادیست که بدون داشتن علم به جیرجیر آن دستور قضاوت قرار می دهند.

پدر غزل نماد مردان است که عشق را احساس می کنند اما از ابراز آن شرم می زنند؛ چون باور به مردانگی و غرور مانند چشم بندی مایه آنها را می بیند حقایق شده است.

مادر غزل نماد زنان است که با سکوتشان خود را از حق برخوردار بودن آزادی در جامعه محروم کرده اند.

برادران غزل نماد مردانی هستند که خود را صاحب اختیار زنان می دانند و با خوار شمردن آنها سعی در کشتن حق انتخاب و حس استقلال در آنها را دارند.

برادر زاده ی غزل نماد نسلی نو با تفکراتی نو است که با همه دختران آزاده ای است که بدون توجه به قضاوت های سایرین راه خود را شجاعانه ادامه می دهند.

استاد (عموی همایون) نماد افرادی است که مشوق جوانان برای رسیدن به هدف غایی هستند و سعی در انتقال تمام دانش و تجربیات خود به نسلی که پذیرای آن هستند می باشد.

اعضای گروه موسیقی نماد جوانانی هستند که با انگیزه و پشتکار سعی در جایگزین کردن افکار و ایده های نو به جای تفکرات قدیمی و پوسیده را دارند و این تحول عظیم را از نزدیکان خود

شروع کرده اند.

همایون قهرمان داستان، نماد مردانی خود ساخته است که با تفکر، تعمق، تحقیق و با کنار گذاشتن تعصب و تبعیض شخصیت خود را شکل داده اند. مردانی که احساسات خود را با دیگران شریک می شوند، از شکست نمی هراسند و هیچ چیز قادر به محدود کردن آنها نیست. مردانی که با تلاش فراوان زمینه را برای رسیدن به برابری در اجتماع فراهم می سازند.

نوا نماد دختران جوانی است که پلی میان نسل قدیم و نسل جدید هستند که باید با انتخاب روش صحیح علاوه بر حفظ احترام، سنت ها و آرمان ها، تفکرات تعصب گرایانه و جاهلانه را از بین ببرد و سعی در ساختن دنیایی روشن، پویا، برابر و عادلانه باشد.

و در پایان نزن، دختری که برای پیدا شدن مجبور می شود ابتدا گم شود، نماد دختری است که علی رغم همه ی محدودیتها و ناعدالتی ها دست از بهانه ها و بهانه ها نمی کشند و برای ساختن دنیایی بهتر برای خود و نسل بعدی تلاش می کنند. دخترانی که با سلاح زنانگی به جنگ با نابرابری جنسیتی می روند. غزل نماد دخترانی است که خمیر شخصیت خود را پیچ و تاب می دهند، ورز می دهند تا نرم شود و قابل انعطاف و انعطاف آن را با عشق به بهترین حالت ممکن شکل می دهند تا به نسل بعدی بماند لایق که الگوی فرزنداناش است.